

سخنران : مایرید ماگیور (Mairead Maguire) .
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2019-10-07 » .
برگردان : پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل» .

مسیرهای صلح

Pathways to peace

ایراد سخنرانی توسط برنده جایزه صلح نوبل مایرید ماگیور
در چهارمین کنفرانس سالانه جهانی فراتر از جنگ ، نیمریک ،
ایرلیند «5» اکتوبر سال (2019)

*speech delivered by Nobel peace Laureat Mairead Maguire at the world
Beyond war 4th annual conference ,Lim erick, Ireland (5) october)2019)*



من بسیا ر خوشحالم از اینکه با همه شما یکجا در این کنفرانس هستم ؛ من میخواهم که
از **دوید سوانسون** (David Swanson) وسازماندهندگان جهانی فراتر از جنگ
بخاطر برگزاری این رویداد مهم ونیز از همه کسانیکه در راه تامین صلح جهانی فعالانه سهم
گرفته اند اظهار سپاس نمایم .

من از مدت های طولانی است که از طرف فعالان صلح امریکا الهام گرفته ام و خوشحالم که شماری از آنها اینجا در کنفرانس با ما میباشند. چندی پیش ویا که مدت ها قبل ؛ من در بلفاست به حیث یک جوان و فعال اجتماعی از زندگی **دوروتی دی** (دوروتی دی) **(انگلیسی: Dorothy Day)** ؛ زاده ۸ نوامبر ۱۸۹۷ درگذشته ۲۹ نوامبر ۱۹۸۰) یک روزنامه نگار، فعال مدنی و نوکیش کا تولید اهل ایالات متحده آمریکا بود. او را در شمار الگوهای اخلاقی در جامعه آمریکا در کنار لینکلن، مورتن و مارتین لوتر کینگ آورده اند. او از اعضای جنبشهای کمک به فقرا و افرادی خاندان بوده است. تفصیل از ویکی پدیا

کارگر کا تولید الهام گرفتم یا که کارواند پشه او بر من تاثیر گذاشت ، **دوروتی دی** ، پیامبر غیرخشونت آمیز که خواستار پایان جنگ و کاهش بودجه نظامیگری بود توصیه میکرد که از این هزینه باید در زدودن عوامل فقر و تنگدستی استفاده شود ؛ دریغا که **دوروتی** (روحش شاد) امروز زنده نیست وای کاش که زنده می بود و میدانست که از هر شش نفر یک نفر در ایالات متحده امریکا در مجتمع های نظمی و در رسانه های صنعتی مجتمع کار و فعالیت میکنند و هزینه های تسلیحاتی روزانه در حال افزایش است چقدر او نا امید میشد. در حقیقت یک سوم بودجه نظامی ایالات متحده امریکا میتواند تمام فقر و تنگدستی فقرا را در امریکا از بین ببرد .

ما ضرورت آنرا می بینیم که باید برای بشریت که در معرض خطر نظامیگری قرار داد و از جنگ رنج می برد؛ امید جدیدی را ارایه دهیم چونکه مردم از تسلیحات و جنگ خسته شده اند و مردم صلح میخواهند. آنها دیدند که نظامیگری مشکلات آنها را حل نمیکند بلکه نظامیگری خودبخشی از مشکلات آنهاست بحران جهانی آب و هوای انتشار گازهای گلخانه ای و رها سازی یا انتشار تشعشعات توسط ارتش ایالات متحده امریکا به بزرگترین بارالاینده گی جهانی اضافه میشود. ملیتاریسم همچنین اشکال غیر قابل کنترل قبیله گرایی (tribalism) و ناسیونالیسم را ایجاد میکند یعنی پدیده های که اینها هویتی خطرناک و مرگانی هستند و باید که در مورد آنها به اقدامات لازم متوسل شویم ؛ تا مبادا که خشونت های وحشتناک دیگری به جهان اعمال شود. برای این کار باید تصدیق کنیم که بشریت مشترک و کرامت انسانی ما از سنت های مختلف در دست داشته ای ما مهمتر است . ما باید ارزش زندگی خود و زندگی دیگران (طبیعت) را بشناسیم و بتوانیم که مشکلات خود را بدون کشتن دیگران حل کنیم . ما باید تنوع و دیگری بودن یا وجود مغایرت ها را بیذیریم ؛ ما باید تلاش کنیم تا اختلافات قدیمی و سوء تفاهات قبلی را بهبود بخشیم ما باید حس بخشیدن را در خود پرورش دهیم و برای حل مشلات خود باید از برخوردهای خشونت آمیز و غیر قانونی

اجتناب نمایم .

ما همچنین برای ساختن سازه‌هایی «ساختارهایی» که از طریق آنها میتوانیم باهم همکاری نمایم و یا که بواسطه آنها در بین خود روابط متقابل را ایجاد کنیم و یا همکاری‌های مان را انعکاس دهیم تا جایکه کنون به چالش کشیده شده است . چشم انداز بنیانگذاران اتحادیه اروپا برای وصل و یا پیوند دادن کشورها بایکدیگر از لحاظ اقتصادی متأسفانه راه خود را از دست داده است چونکه ما شاهد روزافزون شدن اروپا و نقش آن بعنوان نیروی محرکه در تسلیحات هستیم ؛ تا جایکه مسیر حرکت اروپا تحت رهبری ایالات متحده و « ناتو » به نسبت دامن زدن به یک جنگ سرد جدید و تجا و ز نظا می با ایجاد گروه‌های نبرد و تشکل یک ارتش اروپایی داخل اقدام و در حرکت است . من معتقدم که کشورهای اروپایی که قبلاً در سازمان ملل متحد برای حل و فصل مسالمت آمیز درگیری‌ها بویژه کشورهای ظاهرأ صلح آمیز مانند نروژ «ناروی» و سوئد «سوئد» در سازمان ملل متحد دست به ابتکار عمل می‌زدند ؛ اکنون یکی از مهمترین کمک‌کنندگان و یا دارایی‌های جنگی ایالات متحده و «ناتو» می‌باشند .

اتحادیه اروپا تهدیدی برای بقای بی‌طرفی است و از زمان « 11/9 » تا کنون در نقض قوانین بین‌المللی از طریق بسیاری از جنگ‌های غیرقانونی و غیر اخلاقی سازگار بوده است . بنا بر این من معتقدم که «ناتو» باید برچیده و یا از بین برود و اسطوره امنیت نظامی جاگزین امنیت انسانی از طریق قوانین بین‌المللی و اجرای معماری و یا عمران صلح شود . علم صلح و اجرای علوم سیاسی غیرخشونت آمیز بماند کمک خواهد کرد تا از تفکر خشونت آمیز عدول و عبور کنیم و فرهنگ خشونت را با فرهنگ عدم کشتار و عدم خشونت در خانه ؛ جوامع و جهان خود جاگزین کنیم .

همچنین سازمان ملل باید اصلاح شود و باید بطور جدی وظیفه خود را برای نجات جهان از معضل جنگ به عهده بگیرد ؛ مردم و دولت‌ها باید برای ترغیب معیارهای اخلاقی و ایجاد اخلاق پسندیده در زندگی شخصی خود مان و معیارهای عمومی پذیرفته شده تشویق شوند ؛ همانطور که ما برده‌داری را از بین بردیم ؛ بنا بر این میتوانیم نظامیگری و جنگ را در جهان نیز از بین ببریم .

نژاد پرستی ، تبلیغات و جنگ :

من معتقدم که اگر ما بخواهیم بعنوان خانواده بشری زنده بمانیم ، باید به نظامیگری و جنگ پایان دهیم و سیاستی از خلع سلاح عمومی و کامل داشته باشیم . پس برای انجام این کار آنچه را که بعنوان نیروهای محرک نظامی برای نظامیگری و جنگ به ما فروخته

میشود نگاه کنیم .

در جنگ منافع چه کسانی نهفته است؟ بنا بر این ما در شروع؛ از جنگ‌ها در تحت سلطه دموکراسی؛ مبارزه با تروریسم فروخته می‌شویم؛ اما تاریخ به ما آموخته است که جنگ‌ها در مبارزه با تروریسم آغاز شده‌اند؛ حرص، طمع و استعمار و بدست گرفتن یا قبضه کردن منابع؛ تروریسم را رشد داد و مبارزه برای به اصطلاح صرفاً دموکراسی هزاران سال است که ادامه دارد. ما اکنون در عصر استعمار غربی زندگی میکنیم که مبدل به مبارزه برای آزادی، حقوق شهروندی، جنگ‌های مذهبی و حق حمایت است. باور و عقیده‌ای ما در تحت این فرضیه و یا بازی مخفی فروخته میشود مبنی بر اینکه با اعزام سربازان ما به آنجا (به کشورهای بیرونی) ما میتوانیم دموکراسی، اعاده حقوق برای زنان، روند آموزش و پرورش را به آسانی ترویج نمایم تا جاییکه این امر برای برخی از ما حیرت‌انگیز پنداشته میشود بویژه برای کسانی از ما که در تحت تاثیر تبلیغات جنگ قرار میگیریم، قسمیکه گفته میشود که این امر در این کشورها برای کشور ما امتیازات و مزایایی به ارمغان می‌آورد؛ و اما برای آن‌های از ما که در این مورد کمی واقع‌بینانه‌تر از اهداف کشورمان در این کشورها میدانند چنین است: که اهداف کشور ما در این کشور های دریافت سود اقتصادی از دسترسی به نفت ارزان، درآمد مالیاتی حاصل از گسترش شرکت‌ها در همچو کشورها از طریق دسترسی به معادن، نفت، منابع و فروش اسلحه است. بنا بر این ما تا این نقطه از نظر اخلاقی برای منافع کشور خود اخلاق خود را زیر سوال می‌بریم؛ با وجودیکه اکثر ما در شرکت‌های نظیر شیل (shell) بی پی (BP) رایتیون (Raytheon) ها لیبورتون (Halliburton) و غیره سهم نداریم؛ سها می‌که از آغاز جنگ پروکسی سوریه سه برابر شد (از جمله Raytheon) شرکت‌های بزرگ نظامی ایالات متحده عبارت‌اند از:

Lockheed Martin

Boeing

Raytheon

BAE Systems

Northrop Grumman

General Dynamics

Thales و Airbus

عموم مردم از مخارج عظیم مالیاتی که در این جنگ ها متحمل شده اند بهره نمی برند بلکه در فرجام آن سود ویا امتیازاتی حاصله در کیسه ای بالایی ها می ریزد ، سها مداران سود می برند ویک فیصد از بالاترین ها که رسانه های ما را مدیریت میکنند از مجتمع صنعتی نظامی واز جنگجویان بهره مند میشوند - بنا بر این ما خود را در دنیای جنگ های بی پایان می یابیم مثل در شرکت های بزرگ تسلیحاتی و افراد که بیشترین سود را دارند و هیچ انگیزه ای مالی برای تا مین صلح در این کشوره ندارند.

بی طرفی ایرلندی:

• من در ابتدا میخواهم به همه امریکایی ها خطاب کنم و به سربازان جوان و همه امریکایی ها عرض تسلیم نمایم ؛ چونکه واقعاً متأسفم از اینکه بسیاری از سربازان و غیر نظامیان در این جنگهای ایالات متحده و «نا تو» مجروح ویا کشته شده اند. و این خود کمال تأسف است که مردم امریکا و همچنان عراقی ها ، سوریایی ها ، افغان ها و سومالیایی ها چه هزینه های هنگفت مالی و جانی را تاکنون پرداخته اند و ما باید آنچه ویا آنگونه که هست آنرا بگویم و آن اینکه امریکا یک قدرت استعماری است ؛ دقیقاً مانند امپراتوری انگلیس. آنها ممکن است که پرچم خود را در آنجا هاجا بجانکنند و تغییری در رز (کرنسی) خود نیا ورنند ؛ اما از اینکه (800) پایگاه نظامی ایالات متحده در بیش از (80) کشور جهان که کنون وجود دارد میتواند اوامر خود را حسب دلخواه خود دیکته کند که چه کسی ارز خود را به فروش رساند و چه زمانی از سیستم بانکی اقتصادی خود برای فلج کردن اقتصاد کشورها استفاده بعمل آورد و به کدام رهبران فشار وارد کند که این همه هدایات و دستورها میتواند از طریق حضور این پایگاه های نظامی بمنزله پشتیبان پیاده شود ویا تحقق یابد ؛ چنانچه که همین اکنون افغانستان ، عراق لیبی و سوریه ویا که حالا ونزوئلا را کنترل میکند - من احساس میکنم که این امپریالیزم غربی است اما با یک پیچ و تاب مدرن .

ما در ایرلیند خود بیش از (800) سال است که فرما نروایی استعمار را متحمل شده ایم مضحک و طعنه آمیز این است از اینکه این امریکایی / ایرلیندی بودند که بر امپراتوری انگلیس فشار آوردند تا جمهوری ایرلیند آزادی خود را بدست آورد . پس ما امروز بعنوان ایرلیندی ها باید اخلاق خود را زیر سوال ببریم و به آینده بنگریم و تعجب کنیم که فرزندان ما درباره ای ما چگونه داوری خواهند کرد آیا ما افرادی بودیم که حرکت گسترده اسلحه ، زندانیان سیاسی غیر نظامیان را از طریق فرودگاه **شانون**

(shannon) آسان و تسهیل کردیم تا که نیروهای توانمند شاهنشاهی (سلطنتی) بخاطر کشتار مردم در سرزمین های دور دست داخل اقدام شوند و یاکه زمینه کشتار را برای این نیروهای متجاوز شاهنشاهی مساعد ساخته ایم و به این ترتیب به چه فرجام و یا در نهایت آن گوگل ، فیس بوک ، مایکروسافت چسان بکار خود ادامه میدهند تا در آیرلیند مشاغلی را تدارک نمایند؟ در خارج از کشور به چه مقدار خون زنان و کودکان ریختانده شده است؟ ما زمینه پرواز نیروهای ایالات متحده **امریکا / ناتو** را که از طریق فرودگاه **شانون** صورت میگیرد مساعد ساخته ایم؟ تا حال با این عمل خود چند کشور را نابود کرده ایم؟ بنا بر این من از مردم آیرلند میخواهم بپرسم که آیا همچو اعمال مناسب به حال شما است و یاکه این وضع چگونه بحال شما تطابق میکند؟

- من به عراق ، افغانستان ، فلسطین و سوریه سفر کرده ام و شاهد ویرانی و ویرانی ناشی از مداخله نظامی در این کشورها بوده ام. من معتقدم وقت آن است که نظامیگری را باید از بین ببریم و مشکلات خود را از طریق قوانین بین المللی ، میانجیگری ، گفتگو و مذاکره حل کنیم. به عنوان یک کشور ظاهراً بی طرف ، مهم است که دولت آیرلند اطمینان داشته باشد که فرودگاه **شانون** برای اهداف غیر نظامی مورد استفاده قرار میگیرد و برای تسهیل مشاغل نظامی ، تهاجمات ، ضرب و شتم و اهداف جنگی در ایالات متحده مورد استفاده قرار نمیگیرد. مردم آیرلند به شدت از بی طرفی حمایت می کنند اما با استفاده از فرودگاه **شانون** توسط ارتش آمریکا این خواست مردم آیرلیند نفی می شود

قابل تذکر است که آیرلند و مردم آیرلند در سراسر جهان بسیار مورد علاقه و احترام هستند و به عنوان کشوری دیده می شود که در توسعه بسیاری از کشورها به ویژه از طریق آموزش ، مراقبت های بهداشتی ، هنر و موسیقی سهم بسزایی داشته است. با این حال ، این تاریخ توسط اسکان دولت در اسکان ارتش ایالات متحده در فرودگاه **شانون** و همچنین با مشارکت آن در نیروهای تحت رهبری ناتو مانند ISAF (نیروی کمک بین المللی امنیت در افغانستان) در معرض خطر است.

بی طرفی آیرلند آن را در موقعیت مهمی قرار می دهد و از تجربه خود در زمینه ایجاد صلح و حل و فصل مناقشه در خانه ناشی می شود ، این امر می تواند یک واسطه گر در خلع سلاح عمومی و کامل و حل مناقشات ، در سایر کشورها بی باشد که گرفتار فاجعه خشونت و جنگ هستند. (این امر همچنین نقش مهمی در حمایت از توافق نامه جامع خوب و کمک به احیای پارلمان استورمونت در شمال آیرلند دارد.)

من برای آینده بسیار امیدوار هستم زیرا معتقدم اگر بتوانیم نظامی گرائی را در کلیت آن به عنوان انحراف / اختلال عملکردی که در تاریخ بشر دارد رد کنیم و همه ما که مهم نیست در چه حوزه ای از تغییر کار می کنیم ، می توانیم متحد و توافق کنیم که می خواهیم. برای دیدن یک دنیای غیر مسلح باهم باشیم . ما میتوانیم این کار را با کمک یکدیگر انجام دهیم. بیاد بیاوریم در تاریخ بشریت ، مردم برده داری ، دزدی دریایی را از بین بردند ، ما می توانیم نظا میگری و جنگ را از بین ببریم و این راههای وحشیانه را به گرد و غبار تاریخ منتقل کنیم.

و سرانجام اجازه دهید ما به برخی از قهرمانان دوران خود بپردازیم. **جولیان آسانژ** ، **چلسی مینینگ** ، **ادوارد اسنودن** ، به ذکر چند مورد می پردازیم. **جولیان آسانژ** هم اکنون به دلیل نقش وی به عنوان ناشر و نویسنده مورد آزار و اذیت مقامات انگلیس است. روزنامه نگاری ژولیان در معرض افشای جنایات دولت در طول جنگ عراق و افغانستان جان بسیاری از مردم را نجات داده است ، اما او را برای آزادی خودش و شاید زندگی خودش هزینه کرده است. وی در زندان انگلیس از لحاظ روحی و روانی شکنجه می شود و با استرداد به ایالات متحده برای روبرو شدن با یک هیئت منصفه ، به سادگی با انجام کار خود به عنوان یک روزنامه نگار ، حقیقت را در معرض خطر قرار می دهد. بگذارید تمام تلاش خود را انجام دهیم تا بتوانیم برای آزادی او تلاش کنیم و خواستار آن هستیم که او به ایالات متحده منتقل نشود. پدر **جولیان** پس از مراجعه به پسرش در بیمارستان در زندان گفت ، "آنها پسر من را می کشند". لطفا از خود بپرسید ، برای کمک به **جولیان** بخاطر آزادی اش می توانید کاری را انجام دهید؟

بیوگرافی مختصر مایراد مگوایر



مایراد مگوایر

ایرلند شمالی ، 1976

بعد از اینکه سه فرزند خواهرش در جریان خشونت بین کاتولیک ها و پروتستان ها در ایرلند شمالی کشته شدند ، مایر داد مگوایرتظاهرات گسترده ای ترتیب داد و اقدامات دیگری را انجام داد و خواستار پایان خشونت آمیز درگیری نبود. همراه با بتی ویلیامز ، او بنیانگذار بنیانگذاران صلح است و این دو زن در سال 1976 برنده ی جایزه صلح نوبل شدند. او از آن زمان عمر خود را به عنوان شاهد ظلم و ستم و ایستادن در همبستگی با مردم درگیری ، به دست آورد. از جمله بیشتر در سوریه

آنها در کنار هم ، مردم صلح را بنیان نهادند ، حرکتی که برای ایجاد جامعه ای عادلانه و صلح آمیز در ایرلند شمالی متعهد است. آنها هر هفته ، به مدت شش ماه ، اجتماعات صلح را در سراسر ایرلند و بریتانیا ترتیب می دادند. در این هزاران نفر - عمدتاً زنان ، در این افراد حضور داشتند ، و در این مدت 70٪ میزان خشونت کاهش یافته است. در حال حاضر میرداد به عنوان رئیس جمهور افتخاری فعالیت می کند.

از زمان دریافت این جایزه ، مایر داد زندگی خود را به ترویج صلح ، چه در ایرلند شمالی و چه در سراسر جهان اختصاص داده است. او با همکاری با گروه های جامعه در سراسر ایرلند شمالی ، رهبران سیاسی و کلیساها ، تلاش کرده است تا گفتگو ، خشونت و برابری بین جوامع عمیقاً تقسیم شده را ترویج کند.

فارغ التحصیل دانشکده اکومنیک ایرلندی ، Maguire با سازمان های بین کلیسایی و بین ادیان کار می کند و مشاور شورای بین المللی صلح است. او حامی دانشکده الهیات متدیست و شورای آموزش و پرورش یکپارچه ایرلند شمالی است. او همچنین نویسنده کتاب چشم انداز صلح: ایمان و امید در ایرلند شمالی است.

----- **با تقدیم احترامات «2019-10-12»**

